

سخن سردبیر

اشارتی به رسالت پیامبر گونه استادان دانشگاه در بحران‌ها

نظام تعلیم و تربیت بیش از هر عنصر دیگر مرهون شخصیت و رفتار معلمان است. اگر شخصیت معلمان بر شالوده‌های ایمان به خداوند متعال و باور به ارزش‌ها و عمل به فرامین الهی استوار باشد، شاگردان بر همان مبانی، تربیت و همان ارزش‌ها را ظهور و بروز داده، در تهدیدها و هجوم ناهنجاریها خود و دیگران را صیانت خواهند نمود. شکل‌گیری شخصیت روانی، معنوی و اجتماعی فراگیران، فرایندی تدریجی و هدایت شده است که سکان‌دار اصلی و نهایی آن معلمان هستند.

دانشگاه کارخانه انسان‌سازی است و استادان، رسالت انبیاء الهی علیهم‌السلام را عهده دار هستند. لازمه ایفای این نقش مقدس در درجه نخست خودسازی و منزه شدن از پیرایه‌های کفر، شرک، نفاق و هر مصداق دیگر تهدیدکننده اخلاص، ایمان و عمل صالح است. آموزش عالی در معرض تهدیدهای فراوان قرار دارد. در مقام معلمی، حیاتی‌ترین وظیفه در تهدیدها از جمله بحران‌های اجتماعی و سایر شرایط غیرعادی، صیانت شاگردان و نظام آموزشی از آسیب‌های حیاتی و غیرقابل جبران و مدیریت و هدایت هیجانات، عواطف و رفتارها به سمت و سوی صحیح، امن و ترجیحاً مفید و سازنده است. این رسالت زمانی به کمال آرمانی خود نزدیک می‌شود که همزمان، رسالت آموزشی، پژوهشی، خدماتی و سایر مأموریت‌های نظام آموزشی و برنامه‌های موظف نیز تسری، تداوم و حتی ارتقا داشته باشد. رسالت اجتماعی معلمان که محوری‌ترین و واجب‌ترین سطح رسالت معلمی است، در بحران‌ها و شرایط اضطراری، به طریق اولی، باید تسری و تداوم و به اقتضای حوادث، تقویت شده و هوشمندانه ارائه شود.

در بحران‌های اجتماعی، حوادث غیرمترقبه طبیعی، شرایط جنگی و نظایر آن، مهم‌ترین و رایج‌ترین تهدید نهادهای آموزشی، نظیر دانشگاه‌ها، به‌طور عام و آموزش عالی سلامت بطور خاص، رکود یا توقف فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، خدمات و سایر وظایف آنها است. توقف یا رکود، فاجعه‌ای است که جبران آن بسیار دشوار و بعضاً غیرممکن است. هوشمندی مدیران، تدابیر گروه‌های آموزشی و تلاش مضاعف و نقش‌آفرینی استادان، می‌تواند از این فاجعه جلوگیری و یا آن را جبران نماید. رسالت مجموعه دانشگاهی در چنین مواردی، پیش‌بینی با رویکرد بصیرت‌افزایی و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از تحمیل رکود یا توقف فعالیت‌ها است. در صورت وقوع، اتخاذ تدابیر لازم برای جبران خسارت‌های تحمیل شده، نظیر برقراری کلاس‌های جبرانی و برنامه‌های فراتر از تقویم دانشگاهی، و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و عظیم استادان و دانشجویان و سایر ذی‌نفعان دانشگاهی، راهگشا خواهد بود. در آموزش عالی سلامت، تجلی این سطح از مسئولیت، صیانت از حقوق سلامت مردم، مراقبت و پیشگیری از نقض آن در شرایط غیرعادی است. وجوب مشارکت مجموعه آموزش عالی سلامت در امداد، درمان و سایر ابعاد مشارکت اجتماعی، امکان تداخل با برنامه‌های عادی دانشگاهی و رکود یا توقف آنها را بیشتر می‌سازد. تبدیل میادین خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان از بحران، به صحنه‌های زیبای آموزش و مهارت‌آموزی و کسب تجربیات ارزشمند و بی‌بدیل، از سویی و برنامه‌ریزی‌های مسئولانه جبرانی و تدابیر هوشمندانه برای صیانت از تمامیت وظایف دانشگاهی از سوی دیگر، این نظام مفید آموزشی را از فاجعه رکود یا توقف، در امان خواهد داشت.

از نقطه نظر اخلاق علمی و دانشگاهی، استادان ملتزم به اجرای کامل برنامه‌های موظف هستند و در مواجهه با شرایط ناخواسته‌ای نظیر تعطیلی کلاس‌های درس، به هر دلیل و هر رویداد ناخواسته و نامطلوب دیگری که موجب افت تحصیلی می‌شود، وظیفه جبران به شیوه‌های مدیرانه، بر عهده و ذمه آنها خواهد بود. برگزاری آزمون، در شرایطی که برنامه‌های موظف اجرا نشده، برخلاف موازین آموزشی و اخلاقی است و لازم است قبل از آن برنامه‌های جبرانی انجام و تنها فراگیرانی که به‌طور کامل حضور داشته‌اند، در آزمون شرکت نمایند.

عطف به مراتب فوق شایسته است جامعه معلمان و استادان، ضمن اهتمام به همه مسئولیت‌ها، در ایفای نقش پیامبر گونه خود به منظور صیانت همزمان از «فراگیران»، «جایگاه و جریان آموزش و پژوهش و پیشرفت و تعالی علمی» و «سلامت و سعادت و تعالی دانشگاهیان و جامعه»، سربلند و سرفراز باشند.